

مجموعه کامل

# تحلیل رویا

## کارل گوستاو یونگ

گفتارهایی در تعبیر و تفسیر رویا

مترجمان: رضارضایی، آزاده شکوهی

سرشناسه: یونگ، کارل گوستاو، ۱۸۷۵-۱۹۶۱م.

Jung, C. G. (Carl Gustav)

عنوان و نام پدیدآور: تحلیل رویا / کارل یونگ؛ مترجم رضا رضایی، آزاده شکوهی.

مشخصات نشر: تهران، افکار جدید، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۹۵ ص.؛ مصورا ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۴-۴۶-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Dream analysis series of the seminar given in 1928-1930, c1984.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خواب دیدن

موضوع: Dreams

شناسه افزوده: رضایی، رضا، ۱۳۳۷-، مترجم

شناسه افزوده: شکوهی، آزاده، ۱۳۵۷-، مترجم

زده بندی کنگره: BP۱۰۹۱

زده بندی دیویی: ۱۵۹.۱۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۵۰۴۶



افکار جدید

## مجموعه کامل تحلیل رویا

کارل گوستاو یونگ

گفتارهایی در تعبیر و تفسیر رویا

مترجمان: رضارضایی، آزاده شکوهی

نمایه‌ساز و نمونه‌خوان: احسان طالبی

صفحه آرا: یاسر عزآباد

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۴-۴۶-۰



نشر افکار

۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی: خیابان نواب صفوی شمال - پینش آذربایجان، جنب ایستگاه متروی نواب،  
برج گردون، ورودی شمال، طبقه ۹، واحد ۹۰۳

کد پستی ۱۳۱۹۶۵۲۸۸۶ - تلفن دفتر و توزینگارا: ۶۶۲۸۳۳۱۸

@NashreAfar

Fidbc.com/NashreAfar

Taaghche.ir/NashreAfar

NashreAfar.com

NashreAfar@gmail.com

@NashreAfar

## فهرست مطالب

۹	سخن مترجم
۲۰	مقدمه
۳۱	سپاسگزاری
۳۲	اعضای جلسات
۳۴	ترتیب زمانی روایها
۳۶	یادداشت ویراستار
۳۷	ترم نایبستانی   بخش اول   نوامبر، دسامبر ۱۹۲۸
۳۹	گفتار [اول]   ۷ نوامبر ۱۹۲۸
۵۵	گفتار [دوم]   ۱۴ نوامبر ۱۹۲۸
۷۰	گفتار [سوم]   ۲۱ نوامبر ۱۹۲۸
۸۶	گفتار [چهارم]   ۲۸ نوامبر ۱۹۲۸
۱۰۰	گفتار [پنجم]   ۵ دسامبر ۱۹۲۸
۱۱۳	گفتار [ششم]   ۱۲ دسامبر ۱۹۲۸
۱۲۹	ترم زمستانی   بخش دوم   ژانویه، مارس ۱۹۲۹
۱۳۱	گفتار [اول]   ۲۳ ژانویه ۱۹۲۹
۱۴۰	گفتار [دوم]   ۳۰ ژانویه ۱۹۲۹
۱۵۱	گفتار [سوم]   ۶ فوریه ۱۹۲۹
۱۶۴	گفتار [چهارم]   ۱۳ فوریه ۱۹۲۹
۱۷۶	گفتار [پنجم]   ۲۰ فوریه ۱۹۲۹

۱۸۹	گفتار [ششم]   ۲۸ فوریه ۱۹۲۹
۲۰۵	گفتار [هفتم]   ۶ مارس ۱۹۲۹
۲۲۰	گفتار [هشتم]   ۱۳ مارس ۱۹۲۹
۲۳۶	گفتار [نهم]   ۲۰ مارس ۱۹۲۹
۲۴۹	گفتار [دهم]   ۲۷ مارس ۱۹۲۹

### ترم تابستانی | مه، ژوئن ۱۹۲۹

۲۶۳	گفتار [یکم]   ۱۵ مه ۱۹۲۹
۲۷۵	گفتار [دوم]   ۲۲ مه ۱۹۲۹
۲۷۷	گفتار [سوم]   ۲۹ مه ۱۹۲۹
۲۹۴	گفتار [چهارم]   ۵ ژوئن ۱۹۲۹
۳۱۱	گفتار [پنجم]   ۱۲ ژوئن ۱۹۲۹
۳۲۷	گفتار [ششم]   ۱۹ ژوئن ۱۹۲۹
۳۴۳	گفتار [هفتم]   ۲۶ ژوئن ۱۹۲۹
۳۵۸	گفتار [اول]   ۹ اکتبر ۱۹۲۹
۳۷۴	گفتار [دوم]   ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹
۳۸۶	گفتار [سوم]   ۲۳ اکتبر ۱۹۲۹
۳۹۹	گفتار [چهارم]   ۳۰ اکتبر ۱۹۲۹
۴۱۳	گفتار [پنجم]   ۶ نوامبر ۱۹۲۹
۴۲۵	گفتار [ششم]   ۱۳ نوامبر ۱۹۲۹
۴۶۰	گفتار [هفتم]   ۲۰ نوامبر ۱۹۲۹
۴۸۸	گفتار [هشتم]   ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹
۵۰۲	گفتار [نهم]   ۴ دسامبر ۱۹۲۹
۵۱۷	گفتار [دهم]   ۱۱ دسامبر ۱۹۲۹

۵۴۳	ترم زمستانی   بخش سوم   ژانویه، مارس ۱۹۳۰
۵۴۵	گفتار [یکم]   ۲۲ ژانویه ۱۹۳۰
۵۵۰	گفتار [دوم]   ۲۹ ژانویه ۱۹۳۰
۵۶۲	گفتار [سوم]   ۵ فوریه ۱۹۳۰
۵۷۲	گفتار [چهارم]   ۱۲ فوریه ۱۹۳۰
۵۸۹	گفتار [پنجم]   ۱۹ فوریه ۱۹۳۰
۶۰۵	گفتار [ششم]   ۲۶ فوریه ۱۹۳۰
۶۲۳	گفتار [هفتم]   ۵ مارس ۱۹۳۰
۶۲۲	گفتار [هشتم]   ۱۲ مارس ۱۹۳۰
۶۵۶	گفتار [نهم]   ۱۹ مارس ۱۹۳۰
۶۷۲	گفتار [دهم]   ۲۶ مارس ۱۹۳۰
۶۹۱	ترم تابستانی   بخش سوم   مه، ژوئن ۱۹۳۰
۶۹۳	گفتار [اول]   ۷ مه ۱۹۳۰
۷۱۸	گفتار [دوم]   ۱۴ مه ۱۹۳۰
۷۳۷	گفتار [سوم]   ۲۱ مه ۱۹۳۰
۷۵۷	گفتار [چهارم]   ۲۸ مه ۱۹۳۰
۷۷۵	گفتار [پنجم]   ۴ ژوئن ۱۹۳۰
۷۹۵	گفتار [ششم]   ۱۱ ژوئن ۱۹۳۰
۸۱۷	گفتار [هفتم]   ۱۸ ژوئن ۱۹۳۰
۸۳۸	گفتار [هشتم]   ۲۵ ژوئن ۱۹۳۰
۸۵۹	نمایه

## سخن مترجم

کارل گوستاو یونگ در ۲۶ ژوئیه ۱۸۷۵ در سوئیس به دنیا آمد و در ۶ ژوئن ۱۹۶۱ در زادگاه خود درگذشت. او پزشک و سپس روان‌پزشک شد و با فروید آشنایی و همکاری پیدا کرد. به اطراف و اکتاف جهان رفت و به مطالعه و تحقیق درباره فرهنگ‌ها و اقوام مختلف پرداخت. یونگ نه فقط در روان‌شناسی بلکه در قوم‌شناسی، دین‌شناسی، اسطوره‌شناسی و دیگر زمینه‌ها نیز مقامی بلند دارد و صاحب‌نظر است. آثار متعدد او تأثیر عظیمی بر آرا و افکار بسیاری از دانشمندان و پژوهش‌گران گذاشته است و موشکافی‌هایش در ویژگی‌های شخصیت انسان سبب شده تا نظریه او را «نظریه تحلیلی» بدانند و روان‌شناسی او را «روان‌شناسی تحلیلی» بخوانند.

یونگ در ابتدا همکار فروید بود و فروید او را «مروج روان‌کاوی» می‌دانست و در سال ۱۹۱۰ که انجمن بین‌المللی روان‌کاوی تأسیس شد، یونگ به عنوان اولین رئیس این انجمن انتخاب شد. اما دو دانشمند برجسته اختلاف نظر پیدا کردند و یونگ در سال ۱۹۱۴ به کلی با فروید قطع همکاری کرد. یونگ معتقد بود که فروید برای غریزه جنسی اهمیت استثنائی قائل است و روش تحقیق خود را با نظریه جنسیت درمی‌آمیزد.

یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق یونگ با فروید این است که فروید آدمی را همواره میان دو قطب مخالف سرگردان می‌باید و معنی زندگی را همین سرگردانی می‌داند، لیکن یونگ معتقد است که انسان در طول زمان و در کشاکش حیات راه کمال می‌پویید و به تعالی می‌رسد. به این ترتیب، نظریه یونگ خوش‌بینانه محسوب می‌شود. فروید به عوامل ناشی از غریز و

آنچه در نخستین سال‌های زندگی تجربه شده است توجه دارد و معتقد است که این گذشته و پیشینه تا دم مرگ به تأثیرگذاری ادامه می‌دهد، لیکن یونگ نه فقط گذشته بالفعل بلکه همچنین آینده بالقوه را در کیفیت تشکیل شخصیت دخیل می‌داند و برای آینده، هدف‌ها، آرزوها و امیال و آمال انسان و تأثیر آن‌ها در رفتار او اهمیت بسیار قائل است.

یک تفاوت دیگر در نظریه‌های فروید و یونگ این است که فروید «لبیدو» را صرفاً یا عمدتاً غریزه جنسی می‌انگارد، حال آنکه یونگ برای لبیدو معنی وسیع‌تری قائل است و آن را «نیروی زندگی» می‌داند و غریزه جنسی را در ردیف دیگر غرایز و عناصر تشکیل‌دهنده این نیرو قرار می‌دهد. همهٔ حرکات‌های بازتابی و خودبه‌خودی البته ناشی از این نیرو هستند، اما سایر فعالیت‌های جسمانی و روانی، تفکر و تعقل، نیز با همین لبیدو صورت می‌گیرند. اختلاف نظر دیگر یونگ و فروید به ضمیر باطن یا ناخودآگاه مربوط می‌شود. یونگ مانند فروید به «ناخودآگاه» و تأثیر آن بر رفتار و شخصیت اهمیت بسیار می‌دهد، اما اولاً ناخودآگاه را صرفاً نباشته از چیزهای ناپسند و نامقبول و واپس زده نمی‌داند بلکه جایگاه خاطره‌های فراموش شده و تصورات قدیم و اموری که هنوز مستعد ورود به خودآگاه نیستند نیز به‌شمار می‌آورد؛ و ثانیاً ناخودآگاه را دو بخش می‌داند: یکی ناخودآگاه فردی که مربوط به زندگی اختصاصی هر شخص است، و دیگری ناخودآگاه جمعی که از خاطره‌های نیاکان دور و حتی غیر بشر به ارث رسیده و میان افراد مشترک است.

به عبارت دیگر، فروید بر میانی کودکی شخصیت تأکید می‌کند و یونگ به میانی جمعی توجه دارد و معتقد است که شخصیت جمعی یا گروهی وجود دارد که بر شخصیت فردی تأثیر فراوان می‌گذارد و مبنای آن را تشکیل می‌دهند.

نظریهٔ یونگ دربارهٔ شخصیت آدمی اندکی بغرنج است و تا حدودی جنبهٔ فلسفی دارد و نمی‌توان با محاسبه و آمار و تحقیق آزمایشگاهی به سراغ آن رفت، و به همین دلیل روان‌شناسانی که به روش‌های آزمون یا آمار علاقه دارند از او انتقاد می‌کنند. در زیر شمه‌ای از «نظریهٔ شخصیت» یونگ را در حدی که به تفهیم مطالب کتاب حاضر کمک کند شرح می‌دهیم.<sup>۱</sup>

۱. در شرح این نظریه از نوشته‌های مختلفی استفاده شده است، به خصوص از نوشته‌های مرحوم علی‌اکبر سیاسی.

یونگ شخصیت را متشکل از چند سیستم روانی می‌داند که جدا از یکدیگرند ولی بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. این سیستم‌ها عبارتند از من یا خودآگاه، ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی با مفاهیم و تصورات و الگوهای کهن، پرسونا، آنیما، آئیموس، و سایه.

خودآگاه عبارت از ضمیر ظاهر است و از احساس‌ها و خاطره‌ها و افکار و تمایلات و عواطف و هیجان‌ها و هر آنچه معلوم شخص است با می‌تواند معلوم او باشد تشکیل می‌شود و آگاهی شخص به وحدت و هویتش را امکان‌پذیر می‌کند.

ناخودآگاه فردی مرکب از کیفیات و ویژگی‌هایی است که زمانی خودآگاه بوده‌اند ولی به عللی واپس زده و طرد یا فراموش شده‌اند، یا در آغاز ظهور بسیار ضعیف بوده‌اند و نتوانسته‌اند تأثیری بر شخص بگذارند. مضامین ناخودآگاه فردی ممکن است به خودآگاه بیایند، و از این‌رو میان این دو بخش تبادل صورت می‌گیرد. همچنین در ناخودآگاه هر کسی ممکن است «عقده‌ها» یا «گره‌هایی از احساس‌ها، خاطره‌ها، اندیشه‌ها، عاطفه‌ها و... تشکیل شود که قوه جاذبه دارند و سبب فعالیت‌های آدمی می‌شوند. آدمی از وجود این عقده‌ها یا مجموعه‌ها بی‌خبر است و گاه که به خود می‌آید رفتار ناشی از عقده خود را «توجیه» می‌کند و برای آن دلایلی می‌آورد.

یونگ به منظور مطالعه و تحقیق درباره عقده‌ها برای نخستین بار از آزمون تداعی واژه‌ها استفاده کرد. واژه‌های معینی را برای شخص قرائت می‌کنند و از او می‌خواهند که با شنیدن هر واژه نخستین واژه‌ای را که به ذهنش می‌رسد بی‌درنگ به زبان بیاورد. اگر شخص مکث زیادی کند یا واژه قرائت شده را تکرار کند و پاسخی ندهد، این امر دال بر وجود عقده‌ای است. واکنش‌های عاطفی و هیجانی نیز شدت عقده‌ها را نشان می‌دهند.

ناخودآگاه جمعی مخزن است از خاطره‌ها و آثاری که آدمی از نیاکان دور و حتی غیربشر (حیوانی) به ارث برده است. این آثار به محسوسات و ادراک‌هایی مربوط است که به ذهن نیاکان رفته‌اند و در نسل‌های متوالی تکرار و تجربه شده‌اند و عصاره تحول و تکامل روانی نوع بشر را تشکیل داده‌اند. آدمی با این مخزن یا گنجینه که چکیده تجارب نسل‌های قبلی است به دنیا می‌آید و این دنیا به همین دلیل مفهوم بالقوه‌ای در اندرون او دارد. این تجارب و معلومات به ارث رسیده که ناخودآگاه جمعی ما را تشکیل می‌دهند «مفاهیم کهن» یا



«الگوهای جاودانه» یا «تصورات قدیم» یا «صورت‌های مثالی» و نظایر این‌ها نامیده می‌شوند. احساس و ادراک و تفکر آدمی تا حدی مطابق این مفاهیم کهن صورت می‌گیرد. یعنی این مفاهیم در مواجهه با امور واقع بیرون افکنده می‌شوند، با آن‌ها همانند می‌گردند و به صورت محسوسات و مدرکات درمی‌آیند. «مفاهیم کهن» یونگ شبیه مُثُل (مثال‌ها) افلاطون است. مُثُل یا اعیان ثابتۀ افلاطون در عالم معقولات هستند و روان آدمی پیش از حلول در کالبد با آن مثال‌ها آشنایی دارد و به دنیای مادی که می‌آید آن‌ها را ظاهراً فراموش می‌کند اما اثر آن‌ها در او باقی است و به یاری آن اثر، امور این جهان را که همه پرتوها یا سایه‌هایی از آن مثال‌ها هستند می‌تواند درک کند؛ ولی «مفاهیم کهن» یونگ در همین جهان مادی بر اثر تجارب نیاکان به تدریج شکل گرفته و در نوع بشر جایگیر شده‌اند و سرمایه‌ای تشکیل داده‌اند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

این مفاهیم در همهٔ افراد همسان‌اند و علت این همسانی نیز همسانی ساختمان مغز نژادهای مختلف و تکامل همسان همهٔ نژادهاست. این مفاهیم در کنار خاطره‌ها و تجربه‌های شخصی آدمی قرار می‌گیرند و شخصیت او را پایه‌گذاری می‌کنند. مفاهیم کهن که خود محصول تجارب انسان از عالم واقعی هستند تقریباً همان تصورات و تجارب هستند که هر فرد نیز در عالم خواهد داشت. مثال: افراد بشر همواره دارای مادر بوده‌اند و ماهیت مادر و تعامل او با کودک در طول تاریخ بشر تقریباً یکسان بوده است، لذا تصور یا مفهوم مادر که کودک به ارث برده است مطابق است با واقعیت فرد مادر که کودک عملاً با او سروکار دارد. مثال دیگر: آدمی بالقوه از تاریکی می‌ترسد و از مار بیم دارد، یعنی این استعداد و آمادگی به طور فطری در او هست. شاید علتش این است که انسان‌های ابتدائی در تاریکی با خطرهای بسیار مواجه می‌شدند و از نیش مارهای سمی قربانی‌های بسیار داده‌اند. البته این ترس‌ها در حالت کمون یا نهفته و خاموش هستند و در صورتی بروز و ظهور می‌یابند که در عالم واقع با تجارب واقعی تقویت شوند. به هر حال، این ترس‌های طبیعی ناشی از مفاهیم کهن، با ترس‌هایی که از طریق اکتساب و در جریان زندگی فرد شکل می‌گیرند فرق دارند. شمار مفاهیم کهن بسیار است، از جمله مفاهیم «وحدت»، «قهرمان»، «قدرت»، «خدا»، «شیطان»، «مرگ»، «زندگی پس از مرگ» و غیره.

مفاهیم کهن ممکن است هستهٔ مرکزی یک «عقده» شوند؛ در این صورت، اعمال و

رفتاری را سبب می‌شوند و به واسطه این اعمال و رفتار در خودآگاه نمایان می‌گردند. اساطیر، روایاها، آداب و مناسک آیینی، علایم پیریشانی و زنجوری روان، و آثار هنری حاوی بسیاری از مفاهیم کهن هستند و بهترین منبع شناخت این مفاهیم به‌شمار می‌آیند. به همین علت، یونگ و همکاران و پیروانش درباره مفاهیم کهن و آثار و بازتاب‌های آن‌ها در اسطوره‌ها و روایاها مطالعات و تحقیقات بسیار کرده‌اند.

یونگ برای اثبات وجود مفاهیم کهن به مطالعه در مردم‌شناسی، اساطیر، ادیان و مذاهب، کیمیاگری، ستاره‌شناسی و طالع‌بینی، و روحیه اقوام ابتدایی پرداخته و تحقیقات خود را منتشر کرد. او در آثار خود با مطالعه و تحلیل روایاها نشان داد که میان نمادهایی که بیننده رویا برای نشان دادن مسائل و هدف‌های خود به کار می‌برد و نمادهایی که مثلاً کیمیاگران برای بیان کوشش‌های خود به آن‌ها متوسل می‌شوند مشابهت و تقارن بسیار وجود دارد.<sup>۱</sup> تحقیق در اساطیر اقوام ابتدایی و ادیان و آیین‌های مختلف نیز همین را نشان می‌دهد، یعنی نمادهای آن‌ها نیز ترجمان یا ناشی از مفاهیم کهن هستند. در واقع یونگ به انتقال ارثی مفاهیم کهن اعتقاد دارد و می‌گوید که اگر در این باب تردید کنیم معنی‌اش این است که بپذیریم مغز آدمی چیزی به ارث نمی‌برد، حال آنکه چنین سخنی صحیح نیست. با وجود این، زیست‌شناسان بسیاری در انتقال ارثی کیفیات و تجارب نیاکان به صورت «مفاهیم کهن» تردید دارند.

باری، در نظریه تحلیلی یونگ، ناخودآگاه جمعی قوی‌ترین سیستم روان آدمی است و در موارد بیمارگونه خودآگاه و ناخودآگاه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. پایه خودآگاه فردی بر ناخودآگاه جمعی نهاده شده است و معرفت ما از عالم خارج تا حدود زیادی مطابق الگوها و مفاهیم کهن این ناخودآگاه جمعی است. اگر خودآگاه از اندوخته‌های سودمند و اندیشه‌های خردمندانه این ناخودآگاه جمعی غفلت کند، فعالیت‌های روانی از راه صحیح منحرف می‌شوند و به پیریشانی و نابسامانی می‌افتند و نابهنجار می‌شوند. ترس‌های بیمارگونه، توهم‌ها و بسیاری دیگر از اختلال‌ها و بیماری‌های روانی را باید ناشی از مغفول ماندن جریان‌های ناخودآگاه دانست.

۱. مانند نماد پوزا پرتوس با «پسر جادو»<sup>۱</sup>، نماد دریا، بازی با توپ، کرم، و غیره که در کتاب حاضر زیاد با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم.